

مطالعه موردی برخی آیات بشارت‌دهنده در قرآن کریم از منظر نظریه زبانی کارگفت^۱

اسما نامداری^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

سنت بشارت و تبشیر که معادل آن در فارسی مژده دادن است، در قرآن کریم از سنت‌های قطعی و حتمی خداوند متعال محسوب می‌شود. سنت به معنای راه و روش و شریعت است و بشارت به معنای خبرهای نشاط‌انگیز است. در رویکرد کاربردشناسی به قرآن، پیش از آنکه به واژگان، معانی آنها و نوع ارتباطات نحوی بین آنها پرداخته شود، بر روی ویژگی‌های متکلم و مخاطب، شرایط گفتگو و بافت حاکم بر آن تأکید می‌شود. در تبیین بافت پیرامون تحقق بشارت باید گفت که مبشر اصلی در قرآن خداوند است و خداوند متعال از فرشتگان، پادشاهان، و انبیاء به عنوان مبشران خویش نام برده است. در این تحقیق برآنیم تا علاوه بر ترسیم بافت پیرامونی کارگفت بشارت، شرایط لازم برای تحقق کارگفت بشارت را تبیین نماییم و نشان دهیم که چگونه گوینده متن، یعنی خداوند متعال، مخاطب و دیگر شنوندگان همگی در فهم این شرایط متفق‌اند. مبنای نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریات آستین (۱۹۷۵) و سرل (۱۹۶۹) در خصوص نظریه کارگفت می‌باشد. روش پژوهش به کار گرفته شده از نوع توصیفی-تحلیلی است که داده‌های مورد بررسی ما شامل آیاتی از سوره‌های نساء، اعراف، اسراء، توبه، یونس، زمر، شوری، انفال، کهف و فصلت است که در آنها خداوند به نوعی به مخاطبان خود بشارت داده است.

کلیدواژه‌ها: بافت پیرامونی، تحلیل کارگفتی، کارگفت بشارت، شرایط تحقق کارگفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

برخورداری از یک تعامل ارتباطی موفق نیازمند آگاهی از نقش سخن و میزان اطلاعات مشارکان است. شنونده برای درک مفهوم مورد نظر گوینده، صرفاً متکی به دانش درون‌زبانی خود نیست؛ بلکه از دانش برون‌زبانی نیز برای تعبیر این مفاهیم بهره می‌گیرد. در این مقاله به نظریه‌ای اشاره می‌شود که زبان را از دیدگاه کاربردی مورد توجه قرار می‌دهد و به همین سبب بافت موقعیتی را عاملی جدایی‌ناپذیر از تعبیّرات زبانی در نظر می‌گیرد. توجه دین‌پژوهان به نظریه کارگفت، ریشه در این دارد که این نظریه در حوزه زبان‌شناسی و مطالعات زبانی توسعه فراوانی یافته است و امروزه به مثابه یک ابزار تحلیل جدی و کارآمد برای متون مختلف اعم از دینی و حقوقی و ... به کار گرفته می‌شود.

در کاربردشناسی، معنا در کاربرد و در جهان خارج مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جمله‌ها اگر در مقام و موقعیت مناسب خود استعمال نشوند، در ایجاد ارتباط نیز سهمی به خود اختصاص نمی‌دهند. فرد در مقام گوینده تشخیص می‌دهد که چگونه صحبت کرده و چه جملاتی را به کار برده و مخاطب نیز تشخیص خواهد داد که در هنگام مواجه شدن با کلام و جمله چه واکنشی از خود بروز دهد (معموری، ۱۳۸۶).

بررسی سوابق پژوهشی انجام گرفته پیرامون بشارت در قرآن بیانگر این واقعیت است که رویکرد آنها بیشتر معناشناسی بوده و بررسی این موضوع با یک رویکرد کاربردشناسی تاکنون صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد برای فهم دقیق متن قرآن کریم صرف تحلیل‌های نحوی، صرفی و بلاغی کافی نیست و با بسنده کردن به این علوم در فهم متن، بسیاری از زوایای متن بر خواننده پنهان می‌ماند. در این مقاله تلاش بر این است که بحث بشارت با یک رویکرد جدید مورد بررسی قرار گیرد تا نگرش جدیدی نسبت به آن ایجاد شود.

مفهوم بشارت

خداوند در عالم وجود سنت‌هایی نهاده است و از جمله آن سنت‌ها، بشارت‌هایی است که به مؤمنین، متقین و اولیای خود در دنیا و آخرت به طور اجمالی می‌دهد که مایه روشنی چشم آنان است و این سنت بشارت قضای حتمی الهی است. چنان‌که قرآن اشاره می‌فرماید: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ» «برای آنان در زندگی دنیا و در آخرت بشارت است سخنان پروردگار و وعده‌های الهی تغییر و تبدیل ندارد» (سوره یونس، آیه ۶۴).

«سنت بشارت» از قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد، و به

تعبیر روشن‌تر خداوند در عالم تکوین و تشریح اصول و قوانینی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان دستخوش دگرگونی و تغییر نمی‌شود؛ این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. چنانچه قرآن به این مطلب اشاره دارد: «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (سوره احزاب، آیه ۶۲).

سنت بشارت به معنای اعم آن شامل بشارت‌های مثبت و منفی خداوند می‌شود. اما قلمرو این تحقیق بشارت‌های مثبت خداوند است که از منظر کاربردشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برخی گفته‌اند بشارت، از ریشه «بشر» به معنای سرور است که معادل آن در فارسی مژده، خبر خوش و خبر سرورانگیزی است که برای اولین بار داده می‌شود. برخی دیگر اشتقاق این واژه را از «بشیره» به معنای ظاهر پوست گرفته‌اند، پس «بشارت» به معنای خبرهای نشاط‌انگیز یا غم‌انگیزی است که اثر آن در «بشیره» و صورت انسان آشکار می‌گردد، اما کاربرد آن را در خبرهای خوش پذیرفته‌اند. «استبشار» نیز به معنای طلب مژده است که مراد همان شادمان و خوشحال شدن به شنیدن خبر و راه‌گشایی در امور و کارها برای خود یا دوستان می‌باشد. «بشیر» نیز به معنای فردی مژده‌دهنده به اموری است که موجب سرور و شادمانی شود (طیب، ۱۳۷۸).

سنت بشارت از بزرگترین عمل انبیاء الهی به حساب می‌آید. در آیات قرآن، «بشیر» و «نذیر» یا «بشارت» و «انذار» در کنار هم قرار گرفته‌اند. اغلب سنت «بشارت» بر سنت «انذار» مقدم است. «بشیراً و نذیراً» و این ممکن است به خاطر این باشد که در مجموع، رحمت خدا بر عذاب و غضب او پیشی گرفته است و یا تبشیر «تشویق» که بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد، بر تنذیر «تهدید» مقدم است.

۲- نظریه کارگفت جان سرل^۳

جان سرل (۱۹۶۹) نشان می‌دهد که تحقیق درباره زبان بدون بررسی ماهیت و نحوه کار ذهن ناتمام است. زبان و افعال جزء واقعیت‌های نهادی و اجتماعی هستند و مطالعه زبان در پرتوی مطالعه ذهن با این واقعیت که زبان پدیده‌ای اجتماعی است، منافاتی ندارد. سرل معتقد است که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آنها نیز نقش دارد. بدین معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد (ضیاء

حسینی، ۱۳۹۱).

بر این اساس وی کارگفت‌ها را در یک طبقه‌بندی پنج‌گانه ساماندهی می‌کند (سرل، ۱۹۶۹):

(الف) یک دسته از کارگفت‌ها، کارگفت‌های اظهاری هستند. در این کارگفت‌ها، گوینده، عقیده خود را دربارهٔ صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کارگفت‌ها، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهند. کارگفت‌های اظهاری، محتوای گزاره‌ای را با جهان خارج و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهند. نمونهٔ بازر این دسته از کارگفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند (صفوی، ۱۳۸۷). برخی افعال که نشان‌دهندهٔ کنش‌ها یا کارگفت‌های اظهاری هستند، عبارتند از: ادعا کردن، اظهار کردن، اعطا کردن، شرح دادن، بحث کردن، اعتراض کردن، گفتن، معرفی کردن، گزارش دادن، نسبت دادن، بیان کردن، واگذار کردن، تأیید کردن، دلیل آوردن، تصحیح کردن، تفسیر کردن، نفی کردن، ابراز کردن، آغاز کردن یک عمل، اثبات کردن، التماس کردن، اعلان کردن، پاسخ دادن، تغییر فعالیت دادن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، رها کردن، محدود کردن، مطمئن بودن، نقد کردن (اصطهباناتی، ۱۳۸۶).

(ب) دستهٔ دیگر، کارگفت‌های ترغیبی هستند. هدف از این نوع کارگفت‌ها، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است. به عبارت دیگر، گوینده می‌خواهد که شنونده کاری انجام دهد. گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که رویدادهایی به وقوع بپیوندد و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است، تطبیق دهد (یول، ۱۹۹۶). کنش‌ها یا کارگفت‌های ترغیبی، خواسته‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کنند. این نوع کارگفت را با افعال زیر می‌توان نشان داد: تقاضا کردن، اجازه دادن، اصرار کردن، پافشاری نمودن، التماس و تمنا کردن، اخطار دادن، اعلان نیاز کردن، القا کردن، بازخواست کردن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، پند دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تکرار کردن، توصیه کردن، توضیح خواستن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، سؤال کردن، شرط کردن، گدایی کردن، هشدار دادن، نصیحت کردن.

(پ) دستهٔ دیگر، کارگفت‌های تعهدی هستند. کارگفت‌های تعهدی به این نکته اشاره دارند که گوینده خود را برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند. گوینده با ذکر عباراتی نظیر قول دادن، تهدید

کردن، و مانند آن متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام دهد. هدف این کارگفت، تطبیق دادن محتوای گزاره‌ای عمل آتی شنونده با جهان خارج است (سعید، ۱۹۹۷). برخی از افعال کنش تعهدی از این قرار است: تعهد دادن، تقدیم کردن، ضمانت کردن، بیان موافقت کردن، داوطلب شدن، قسم خوردن، قول دادن، متعهد شدن و غیره.

ت) دسته بعد، کارگفت‌های عاطفی هستند. کارگفت‌های عاطفی کنش‌هایی هستند که در آنها حالت و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن، و مانند آن بیان می‌دارد (صفوی، ۱۳۸۷). افعال زیر نشان‌دهنده کارگفت‌های عاطفی هستند: خشنود شدن، خشمگین شدن، تبریک گفتن، سلام کردن، اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تردید داشتن، تشکر کردن، تسلیم شدن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، دست انداختن، دشنام دادن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، مسخره کردن، فرضیه داشتن، بیان آرزو کردن، احترام گذاشتن، معذرت خواستن، ناامید شدن، دلسرد شدن، سپاسگزاری کردن، ناسپاسی کردن.

ث) در آخر باید از کارگفت‌های اعلامی یاد کرد. کارگفت اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خودتغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (سعید، ۱۹۹۷). برخی افعال کنش اعلامی از این قرار است: اعلام کردن، انتصاب کردن، اخراج کردن، به کار گماردن، نام‌گذاری کردن، عقد قرارداد کردن، آغاز کردن، از کار برکنار کردن و مانند آن.

سرل برای تعیین گونه‌های پنج‌گانه کارگفت‌ها به چهار عامل توجه می‌کند (سرل، ۱۹۶۹). نخست، به اعتقاد سرل، «نکته غیربیانی» قصد یا هدف از تولید کارگفت به حساب می‌آید. برای نمونه نکته کارگفت ترغیبی این است که مخاطب را به انجام کاری وادارد. دوم، «تطبیق» در اصل انطباق زبان با جهان خارج است. برای نمونه در کارگفت‌های اظهاری آنچه گفته می‌شود قرار است به شکلی باشد که صدق آن را بتوان به کمک جهان خارج محک زد، در حالی که در کارگفت‌های ترغیبی هدف این است که کاری در جهان خارج صورت پذیرد و در کارگفت‌های اعلامی تغییر در شرایط مخاطب نسبت به جهان خارج پدید آید. در مرحله بعد «وضع روانی» در اصل به وضعیت ذهنی گوینده بازمی‌گردد. این عامل به هنگام تولید یک کارگفت اظهاری باور گوینده را می‌نمایاند و در کارگفت عاطفی به هنگام عذرخواهی، شرمندگی گوینده را نسبت به عملی نشان می‌دهد. در پایان، «محتوا» به محدودیت‌هایی

مربوط می‌شود که بر کارگفت‌ها حاکمند. برای نمونه اعلام جنگ پس از اینکه چنین جنگی مثلاً یک سال قبل آغاز شده، موردی ندارد.

بر اساس آنچه درباره چهار عامل فوق گفته شد، به اعتقاد سرل، هر کارگفت دارای نکته‌ای غیربیانی است که بر حسب وضع روانی گوینده با توجه به محتوای کارگفت، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود.

کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم از دیدگاه سرل

سرل میان کاربرد مستقیم و غیرمستقیم کارگفت‌ها تمایز قائل می‌شود. به اعتقاد وی گوینده می‌تواند مثلاً به جای استفاده از پاره‌گفتارهای امری به عنوان یک کارگفت ترغیبی، جمله‌ای را به کار برد که ظاهری متفاوت دارد اما مخاطب آن جمله را به منزله نوعی کارگفت ترغیبی در نظر گیرد. به عبارت دقیق‌تر، درک یک کارگفت مستقیم از طریق یک کارگفت غیرمستقیم، مبتنی بر بافت موقعیتی است و از دانش درون‌زبانی قابل تعیین نیست. سرل درک کارگفت‌های غیرمستقیم را منوط به ترکیب سه عامل با هم می‌داند که عبارتند از: شرایط کارایی، بافت و اصول گرایس و این بر خلاف آرای گوردن و لیکاف است که آنها در چگونگی درک پاره‌گفتارها صرفاً به دانش درون‌زبانی تکیه و تأکید کرده‌اند (سعید، ۱۹۹۷).

۳- نظریه کارگفت جان آستین^۵

نظریه کارگفت را نخستین بار جان آستین یکی از فیلسوفان مکتب آکسفورد معرفی کرد. او معتقد بود جملات خبری گونه اصلی جملات زبان نیستند. کاربرد اصلی زبان اطلاعی نیست و صدق یا کذب معنای تمام پاره‌گفت‌ها قابل تعیین نیست. آستین نخستین کسی بود که به کارکردهای فعل و به تبع آن جمله در فرایند گفتمان اشاره کرد. از نظر وی، فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند، بلکه با خود عمل معادل است. او جملاتی مانند: "قول می‌دهم فردا به دانشگاه بروم"، "این ساختمان را نگین می‌نامم" و "فردا دانشگاه تعطیل می‌شود" را پاره‌گفت‌های بیانی می‌نامد و تأکید می‌نماید چنین گفته‌هایی به نوعی عمل یا کنش اشاره دارند. در واقع گوینده با گفتن یک جمله یا یک پاره‌گفتار عملی را به انجام می‌رساند و به این عمل که در نتیجه گفتار حاصل شود، کنش می‌گویند (آستین، ۱۹۷۵). سعید در این باره می‌گوید:

«به باور آستین ما در اظهارات اخباری کنش‌هایی را انجام می‌دهیم. او میان سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، تمایز قائل می‌شود و نشان می‌دهد که هر اظهاری متضمن سه نوع کنش ذیل است: ۱) کنش بیانی: عمل بیان کردن چیزی که در زبان معنا دارد و تابع قواعد دستوری زبان است. ۲) کنش غیربیانی: گوینده از اظهارات خود مفهوم و مقصود خاصی دارد. ۳) کنش پس‌بیانی: گفته تأثیر خاصی در مخاطب می‌گذارد.»

(سعید، ۱۹۹۷: ۲۳۸)

در آیات قرآن نیز بشارت‌های الهی به سوی بندگانش کنش بیانی نامیده می‌شود؛ و مقصود خداوند از این آیات، هدایت بندگان و ایمان آوردن آنان است که این کنش غیربیانی است. به دنبال این پیام در مخاطبان به فراخور اعتقادات و آمادگی درونی تأثیری در مخاطب ایجاد می‌شود که همان کنش پس‌بیانی است.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- بافت پیرامونی کارگفت بشارت در قرآن

با توجه به اینکه در آیات قرآن کریم بحث سنت بشارت و تبشیر فراوان مطرح شده، می‌توان گفت که در کارگفت بشارت، کاربران و چهره‌های برجسته، نقش‌آفرینی نموده و این کارگفت را محقق می‌سازند. در این کارگفت شخص اول و برتر و مؤثر، خداوند متعال است: «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّثَمِّمٌ» «پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمت‌های جاودانه دارند» (سوره توبه، آیه ۲۱). در قرآن، خداوند متعال، از انبیاء، فرشتگان و بادها به عنوان مبشران خویش یاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت شخص دوم در این کارگفت، پیامبران الهی هستند که حامل پیام بشارت از جانب خدا بوده و تنها نقش ناقل و واسطه را دارند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» «ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و اندازکننده» (سوره یونس، آیات ۶۴-۶۲). خصوصاً اینکه سنت تبشیر، گوهر رسالت پیامبر اسلام به شمار رفته و به عنوان منصب پیامبر از آن یاد شده است که مخاطب آن در قرآن افرادی ویژه‌اند؛ مانند شکیبایان، فروتان، نیکوکاران، دوری‌کنندگان از طاغوت، بازگشتگان به سوی خدا و آنان که از بهترین سخن‌ها پیروی می‌کنند. در جایی دیگر باد را بشارت‌دهنده خود قرار می‌دهد: «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِّتَهُ لِبَدِّ مَيْتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» «او کسی است که بادها را بشارت‌دهنده در پیشاپیش (باران)

رحمتش می‌فرستد؛ تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم؛ و به وسیله آنها، آب (حیات‌بخش) را نازل می‌کنیم؛ و با آن، از هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم؛ این گونه (که زمین‌های مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید!» (سوره اعراف، آیه ۵۷). خداوند همچنین از فرشتگان به عنوان مبشر یاد کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» «آنان که می‌گویند پروردگار ما الله است سپس (در این راه) ایستادگی و استواری می‌کنند؛ فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند): مترسید و غمگین مباشید و بشارت باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده بود» (سوره فصلت، آیه ۳۰).

۴-۲- شرایط تحقق کارگفت بشارت

برای شکل‌گیری کارگفت بشارت در یک مخاطب، نیازمند وجود شرایط و مؤلفه‌هایی هستیم (صانعی‌پور، ۱۳۹۰). در زیر برخی از این شرایط را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۴-۲-۱- وعده‌دادن در کارگفت بشارت

باید گفت که بشارت در قرآن، وعده و امید دادن است که مخاطب را به آینده‌ای روشن نوید داده و آگاه می‌سازد. متکلم در اینجا علاوه بر کنش گفته که معنای لغوی الفاظ آن را بیان می‌کند، نیت و مقصود دیگری هم دارد. نیت گوینده در این کارگفت هدایت به راه مستقیم و همچنین پیشگیری از انجام گناه توسط مخاطب است و به دنبال آن شاهد واکنش و عکس‌العمل و انجام گرفتن عملی از مخاطب هستیم.

۴-۲-۲- تعلق کارگفت به امری نیکو و فرح‌انگیز

در سنت بشارت متعلق آن وعده‌دادن به امری خوشایند مانند بهشت برین است که در ذهن مخاطب به عنوان مشوقی برای اجرای دستورات گوینده از آن یاد می‌شود. با اخبار خداوند به مخاطبان نسبت به بهشت و پاداش‌ها معنوی آن، در بافت ذهنی مخاطب میل و اشتیاق و ایجاد حس آرامش نسبت به آینده به وجود می‌آید.

۴-۲-۳- وجود حس محبت و خیرخواهی در تحقق کارگفت بشارت

رحیم‌بودن یکی از صفات باری تعالی است که نشان‌دهنده حس مهربانی و محبت او به بندگانش است. در واقع انگیزه کاربرد کارگفت بشارت، خیرخواهی و مودت نسبت به مخاطب است. در روان‌شناسی

تعلیم و تربیت نیز به نقش عاطفه در یادگیری و انتقال مطلب به دیگران تأکید شده است. در اهمیت نقش عاطفه همین بس که جهت‌دهی عقاید افراد با عواطف صورت می‌گیرد. مطالعات و تحقیقات بیانگر این واقعیت است که رعایت اصول تعلیم و تربیت اگرچه در جای خود ضروری و مهم است، اما نتایج نظرسنجی‌های انجام‌گرفته در آموزش‌های تأثیرگذار، بیانگر این واقعیت است که ویژگی‌های عاطفی معلم یا رفتارهای او بیش از بکارگیری روش‌های تعلیم و تربیت اهمیت دارد (استرانگ، ۱۳۸۴). باید گفت که روح و روان انسان به عنوان مخاطب تشنه محبت و عاطفه از طرف مقابل است، تا آنجا که تنها در صورتی از کلام دیگران تأثیر می‌پذیرد که نسبت به خیرخواهی و دلسوزی گوینده خاطر جمع شود.

۴-۲-۴- روشنی و وضوح در تحقق کارگفت بشارت

از آنجا که در بشارت به دنبال تأثیرپذیری در مخاطب هستیم، پس باید برای مخاطب و منذر قابل فهم باشد. کارگفت بشارت باید قابل فهم و درک از سوی مخاطب باشد نه بیانی پیچیده و فلسفی. از طرفی، باید بشارت به وعده‌هایی باشد که برای مخاطب که انسان است، قابل حس کردن باشد. به همین دلیل، خداوند در قرآن به اموری بشارت داده که انسان در این دنیا از داشتن آنها و یا بودن در آن موقعیت‌ها احساس شادی و فرحناکی کرده است، اموری حسی از قبیل رودهای جاری، سایه درختان، حوریان بهشتی و ... از طرف دیگر، به آرامش درونی و پاداش معنوی که از پاداش حسی و مادی اولی‌تر است، بشارت داده شده است.

۴-۲-۵- تکیه بر عقلانیت انسان و دوری از اجبار و تحمیل عقیده در تحقق کارگفت بشارت

کاربر در این کارگفت تلاش می‌کند تا سخن خود و عمل برآمده از آن را بر مبنای عقلانیت و دانایی مخاطب خود بنا کند. با توجه به عقلانیت مخاطب و تکیه بر اندیشه و تفکر در این کارگفت، مبشران نباید قصد تحمیل عقیده و اجبار داشته باشند. زیرا نقش اصلی این روش تربیتی مربوط به جنبه انگیزش در انسان و در پی آن ایجاد رفتاری نو با میل و رغبت است (شاملی، ۱۳۸۸). بشارت در حقیقت راهی است برای هدایت مخاطب به انجام عمل نیک، اما در قرآن اراده انسان حرف آخر را در مورد اعمال و عملکردهای وی می‌زند. در واقع شیوه‌های تبشیر از منظر قرآن چیزی جز راه‌هایی برای آگاهی‌سازی و انتقال اطلاعات نیست و در نهایت خود شخص است که اطلاعات به‌دست‌آورده را قبول یا رد می‌کند. در روان‌شناسی نیز اثبات شده که زور و اجبار و اکراه شخص نسبت به چیزی، پیامدهای نامطلوب دارد و استفاده از روش‌های مبتنی بر زور و تحقیر منجر به مقاومت، طغیان و تلافی می‌گردد (گوردن،

(۱۳۸۱). در واقع نقش مربی چیزی جز ایجاد شوق و تقویت انگیزه و محیا کردن شرایط و تسهیل آن نیست. این امر قطعی است که اگر مربی احساس کند که بدون خواست و اراده و تمایل درونی خودش چیزی به او تحمیل می‌شود، نسبت به آن مقاومت نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۶). خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر خدا می‌خواست همه آنها را امت واحدی قرار می‌داد و به حکم اجبار هدایت می‌کرد» (سوره مائده، آیه ۴۸)؛ اما از آنجا که تکلیف تنها در صورت اختیار محقق می‌شود و این عمل موجب ابطال تکلیف خواهد شد، خداوند این کار را انجام نداده است (طبرسی، ۱۳۷۲). در کارگفت بشارت تلاش برای تشویق مخاطب و ایجاد انگیزه در او برای تغییر مسیر در سایه عقلانیت و اختیار است (هوشنگی، ۱۳۸۹). توصیفات زیاد قرآن از بهشت و جهنم و بیان و شرح جزئیات و تفصیل پاداش و کیفرهای آخرت، علاوه بر تأکید بر حقانیت جزا و عقاب، نقش بزرگی در جهت‌گیری و تمایل انسان به راه صحیح دارد (رجبی، ۱۳۸۸).

۴-۳- بررسی آیات بشارت در نظریات سرل و آستین

خداوند در قرآن خصوصیات را معرفی می‌کند که مخاطبین با داشتن آن، در معرض سنت بشارت قرار می‌گیرند. در واقع خداوند متعال با عنوان کردن این خصوصیات، نوعی انگیزه و ترغیب را در مخاطب برای به دست آوردن وعده‌ها و نویدهای خداوند متعال ایجاد می‌کند. این خصوصیات عبارتند از ایمان، تقوی، عمل صالح و گوش شنوا.

اصل ایمان همان عقیده قلبی به معارف و عقاید دینی است و اقرار به زبان کاشف از آن و اعمال جوارح آثار و نگهبان آن است (طیب، ۱۳۷۸). بنابراین مؤمنین آنهایی هستند که به خدا و رسولش ایمان حقیقی و به وحدانیت خدا و رسالت رسولش باور و اعتقاد قلبی دارند. یکی از عوامل تحقق سنت تبشیر در دنیا و آخرت داشتن ایمان راسخ است. چنانچه قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا» «این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده‌اند به آن نوید می‌دهد» (سوره شوری، آیه ۲۳). خداوند در این گونه آیات با استفاده از یک کارگفت اظهاری، مخاطبین را به داشتن ایمان دعوت می‌کند که خود دال بر کارگفتی ترغیبی است. زیرا بنابر آنچه پیشتر گفته شد، کارگفت ترغیبی مخاطب را به انجام عملی تشویق می‌کند. همچنین در اینجا کنش غریبانی مبنی بر هدایت وجود دارد. زیرا قرآن کریم مردم را به ایمان به خدا، روز جزا، ملائکه، انبیاء و کتب آسمانی دعوت می‌کند، و به اهل ایمان، خیر دنیا و بهشت را در آخرت بشارت می‌دهد و از این طریق مؤمنان را به داشتن ایمان دعوت می‌کند، و اگر بندگان از این طریق ایمان بیاورند، کنش پس‌بیانی صورت گرفته

است. چنانچه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» «همان‌ها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند، در زندگی دنیا و آخرت شاد و مسرورند» (سوره یونس، آیات ۶۳ و ۶۴). در این آیه نیز با بشارت به زندگی شاد در دنیا و آخرت (لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ)، خداوند با بکارگیری بشارت اظهاری، بندگان را به داشتن ایمان ترغیب کرده و بنابراین این آیه دارای کنش ترغیبی نیز است. همچنین علاوه بر کارگفت بیانی، ممکن است منجر به نوعی کنش پس‌بیانی در بندگان شود که همان ایمان آوردن است.

تقوی در اصل به معنای نگهداری یا خویشتن‌داری است و به تعبیر دیگر یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند، و در واقع نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را در پرتگاه‌ها حفظ و از تندروی‌های خطرناک باز می‌دارد و معیار فضیلت و افتخار انسان و مقیاس سنجش شخصیت او در اسلام محسوب می‌شود (بابایی، ۱۳۸۲). بنابراین یکی دیگر از عوامل که انسان را در معرض سنت بشارت پروردگار در دنیا و آخرت قرار می‌دهد، تقوی است. بدین معنا که هر کس از اهل تقوا شود، بشارت‌ها در حق او قطعی و حتمی است. کما اینکه قرآن به این مطلب تأکید دارد: «وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» «همان کسانی که پرهیزگاری می‌کردند در زندگی دنیا و آخرت مژده بر آنهاست» (سوره یونس، آیات ۶۳ و ۶۴). در این آیه نیز از کارگفت اظهاری و به طور غیرمستقیم از کارگفت ترغیبی (لَهُمُ الْبُشْرَىٰ) استفاده کرده است. کنش پس‌بیانی این آیه نیز همان روی آوردن به تقوا در بندگان است که از طریق کنش بیانی بشارت صورت گرفته است.

علامه طباطبایی می‌فرماید: کلمه صلاح به معنای لیاقت است، که چه بسا در کلام خدا به عمل انسان منسوب می‌شود. چنانچه این آیه شریفه به این مطلب اشاره داشته، می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ هر کس امید لقای پروردگارش را دارد، باید عمل صالح انجام دهد» (سوره کهف، آیه ۱۱۰). بنابراین «عمل صالح» به معنای آمادگی و لیاقت برای تلبس به لباس کرامت است (طباطبائی، ۱۴۱۷). در این آیه خداوند به طور مستقیم به بشارت اشاره ننموده، اما از طریق کنش غیربیانی به دنبال ترغیب بندگان به انجام عمل صالح است و اگر این ترغیب نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد و بندگان عمل صالح انجام دهند، کنش پس‌بیانی نیز صورت گرفته است. اما لازم به یادآوری است که این عمل صالح به عنوان یک عامل مهم برای تحقق مژده‌های خداوند در آخرت شناخته شده است. چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَيُثِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» «این قرآن به

مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است» (سوره اسراء، آیه ۹). عبارات «وَيُسِّرُّ» و «يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ» استفاده از کارگفت‌های تعهدی را نشان می‌دهد که این کلمات دلیلی بر پیوستگی و استمرار انجام دادن عمل صالح از طرف انسان مؤمن متقی و دادن بشارت از ناحیه خداوند متعال است. بنابراین آنان که پیوسته و ادامه‌دار به انجام دادن کارهای نیک پردازند، خداوند آنها را به پاداش بزرگ دنیا و آخرت مژده می‌دهد و از طرفی، انسان را به انجام عمل صالح تشویق می‌کند که در ازای آن پاداش بزرگی به او بدهد. در اینجا هم کارگفت اظهاری مدنظر است و هم کارگفت ترغیبی و تعهدی. از طرفی، کنش بیانی که همان بشارت به پاداش بزرگ است، کنش پس‌بیانی روی آوردن بندگان به عمل صالح را در پی دارد.

استماع از ماده سمع است که به معنای حس شنوایی در گوش است که صداها را درک می‌کند. واژه سمع گاهی به خود گوش، گاهی به فعل شنیدن، گاهی به فهم و ادراک و گاهی به طاعت و فرمانبری از حق به کار گرفته می‌شود. یکی از عوامل بشارت در دنیا استماع و شنیدن سخنان این و آن است و از میان سخنان خوب، خوب‌تر و نیکو، نیکوتر را برمی‌گزینند؛ آنها خواهان بهترین و برترینند. چنانچه قرآن می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» «آن دسته از بندگان خاص من که سخنان را می‌شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، بشارت بده» (سوره زمر، آیه ۱۸). خداوند در آیاتی مانند این آیه، خصوصیتی را بر می‌شمارد که با داشتن آنها، بندگان مشمول سنت بشارت می‌شوند. در این آیات نیز از کنش اظهاری استفاده شده که کارگفت غیرمستقیم آن ایجاد ترغیب برای داشتن گوش‌شنواست. بنابراین در این گونه آیات نیز از کارگفت اظهاری و ترغیبی استفاده شده است. همچنین کنش بیانی در این آیه همان بشارت دادن است و کنش پس‌بیانی و تأثیر آن بر مخاطب گوش دادن و انتخاب بهترین‌هاست.

در آیه «انَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» «آنان که می‌گویند پروردگار ما الله است سپس (در این راه) ایستادگی و استواری می‌کنند؛ فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند): مترسید و غمگین مباشید و بشارت باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده بود» (سوره فصلت، آیه ۳۰)، نیز می‌توان گفت خداوند به طور مستقیم بندگان را مورد خطاب قرار داده و بنابراین کنش اظهاری صورت گرفته است. و از طرفی، با وعده‌دادن بهشت به بندگان و با استفاده از کنشی بیانی، از کارگفت تعهدی و ترغیبی استفاده کرده است. در این آیه همانند آیات قبل کنش‌های غیربیانی و پس‌بیانی نیز وجود دارد. در آیه دیگری نیز می‌توان به همین نتیجه‌گیری

رسید: «يُسْرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» «پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمت‌های جاودانه دارند» (سوره توبه، آیه ۲۱). همان‌طور که قابل مشاهده است در این آیه نیز خداوند از کارگفت اظهاری و تعهدی استفاده کرده است. اما با این تفاوت که کنش پس‌بینی در این آیه قابل پیش‌بینی نیست، زیرا خداوند بندگان را به انجام عملی ترغیب نموده و مشخص نیست که بندگان با شنیدن این آیه متأثر خواهند شد یا نه.

۴-۴- کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم آیات بشارت در قرآن کریم

تحقیق درباره کارگفت بشارت در قرآن می‌تواند به دو بخش مهم تقسیم شود: در بخش اول، مواردی را مشاهده می‌کنیم که در آنها کارگفت تبشیر دقیقاً با بکارگیری همین الفاظ انجام پذیرفته است، که بر کارگفت مستقیم دلالت دارد. بخش دوم بر کارگفت تبشیر بدون کاربرد واژگانی آن دلالت دارد که کارگفتی غیرمستقیم است. گاهی می‌بینیم که قرآن این واژه را به کار نمی‌برد، اما مستقیماً مؤمنان را نوید می‌دهد. در آیه ۶۵ سوره انفال، حالتی از تبشیر را می‌یابیم که مشتمل بر ترغیب جدی برای جهاد است. مسلمانی که بشارت رسول الله (ص) را دریافت کرده، چنان با انگیزه و مصمم است که می‌تواند با ده مرد جنگی دشمن پیکار کند. نه تنها در جنگ، بلکه در تمام حالات تقویت و ترغیب می‌تواند توانایی‌های نهفته را بیرون بکشد. با این وجود، این بدان معنا نیست که در این حالات، پیامد کار تنها از قدرت انسان، بدون امداد غیبی از جانب خدا، منتج می‌شود. در این آیه به طور غیرمستقیم خداوند از کارگفت ترغیبی و تعهدی استفاده کرده است، چرا که با تشویق مومنان به پیکار، آنان را به امداد الهی وعده داده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» «ای پیامبر! مومنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن، هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند، چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!» (سوره انفال، آیه ۶۵). و در جایی دیگر از قرآن آمده است که: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است» (سوره زمر، آیه ۵۳). در این آیه نیز خداوند به طور غیرمستقیم به بندگان این بشارت را می‌دهد که تمام گناهان آنها را خواهد بخشید. در این آیه کارگفت اظهاری و تعهدی کاملاً قابل مشاهده

است و از طرفی، کارگفت ترغیبی غیرمستقیمی نیز در آن دیده می‌شود. همچنین اگر بندگان با شنیدن این آیه، به بخشش خداوند متعال امیدوار شوند، کنش پس‌بیانی رخ داده است.

در آیاتی نیز می‌بینیم که خداوند متعال از کلمه بشارت در مورد عذاب استفاده می‌کند: «بَشِّرِ الْمُتَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (سوره نساء، آیه ۱۳۸) که در این آیه مقصود اصلی گوینده یعنی خداوند در واقع بشارت و نویدبخشی نیست و کارگفتی غیرمستقیم مدنظر است که از یک نوع تهدید و استهزاء به افکار گنهکاران حکایت دارد. در این آیه می‌توان کارگفت عاطفی، که یکی از شواهد آن «تهدید کردن» است را مشاهده نمود.

۵- نتیجه‌گیری

در یک رویکرد کاربردشناسی به قرآن، مخاطبان در یک فرآیند ارتباطی میان متکلم و مخاطب مورد مطالعه قرار می‌گیرند. کاربردشناسی بیش از آنکه به واژگان، معنی آنها و نوع ارتباطات نحوی بین آنها بپردازد، بر روی ویژگی‌های متکلم و مخاطب، شرایط گفتگو و بافت حاکم بر مخاطبه می‌پردازد. در پژوهش صورت‌گرفته، تعداد ده آیه از آیات قرآن کریم به صورت موردی برای بررسی کارگفت بشارت بر مبنای دیدگاه‌های آستین و سرل انتخاب گردید و بر طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان نتایج به دست آمده را در جدول شماره (۱) و به صورت زیر خلاصه کرد:

(۱) بشارت از طرف خداوند متعال بر مبنای دلسوزی و محبتی شکل می‌گیرد که خداوند نسبت به مخاطبان خود یعنی مخلوقات دارد و با تکیه و تأکید بر عقلانیت و اختیار مخاطب بیان می‌شود. به این معنا که مخاطب هیچ‌گاه احساس اجبار نمی‌کند. در تحقق کارگفت بشارت شرایط آن‌چنان است که انگیزه لازم برای قرار گرفتن در مسیر حق به وجود آید و سپس سر بر اطاعت گذارد.

(۲) در آیات مورد بررسی ما بر طبق دیدگاه سرل به نظر می‌رسد که تمام آیات منتخب از نوعی کنش اظهاری برخوردار بوده و هیچ کدام از آیات یادشده، دارای کنش اعلامی نیستند. از طرفی، با توجه به تعریف کنش عاطفی بر طبق دیدگاه سرل، هیچ کدام یک از آیات مورد بررسی دارای کنش عاطفی نیز نیستند. گرچه شاید بتوان در آیات دیگری از آیات قرآن کریم، نظیر آیاتی که در آنها انذار وجود دارد، کنش عاطفی را مشاهده کرد. می‌توان گفت که کارگفت‌های ترغیبی و تعهدی در آیات به صورت منظم و یکپارچه مشاهده نگردیده‌اند. از طرفی، بر طبق کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم سرل، برخی آیات دارای کارگفت مستقیم و برخی آیات دارای کارگفت غیرمستقیم بودند.

(۳) از طرف دیگر، به نظر می‌رسد تمامی آیات مورد بررسی، بر طبق نظریه آستین دارای کنش‌های بیانی،

غیربیانی و پس‌بیانی هستند. تحلیل داده‌ها از دیدگاه آستین و سرل حاکی از این است که دلالت واقعی گفتار لزوماً مطابق دلالت لفظی و ظاهری آن نیست. یعنی ارتباط دلالتی کنش بیانی و غیربیانی، همواره نمی‌تواند قابل انتظار باشد.

جدول شماره (۱). بررسی آیات بشارت بر طبق نظریات سرل و آستین

| نظریه آستین | | | نظریه سرل | | | | | | | آیه |
|--------------|--------------|-----------|-----------------|---------------|--------------|---------------|-------------|---------------|--------------|-------------------------|
| کنش غیربیانی | کنش پس‌بیانی | کنش بیانی | کارگفت غیرسنتیم | کارگفت مستقیم | کارگفت عاطفی | کارگفت زنجیری | کارگفت عهدی | کارگفت اعلامی | کارگفت نظاری | |
| ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | - | - | ✓ | - | ✓ | سوره توبه، آیه ۲۱ |
| ✓ | ✓ | ✓ | | | - | ✓ | - | - | ✓ | سوره یونس، آیات ۶۳ و ۶۴ |
| ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | - | ✓ | ✓ | - | ✓ | سوره فصلت، آیه ۳۰ |
| ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | - | - | ✓ | ✓ | - | ✓ | سوره انفال، آیه ۶۵ |
| ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | - | - | ✓ | ✓ | - | ✓ | سوره زمر، آیه ۵۳ |
| ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | - | ✓ | - | - | ✓ | سوره شوری، آیه ۲۳ |
| ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | - | - | ✓ | - | - | ✓ | سوره کهف، آیه ۱۱۰ |
| ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | - | ✓ | ✓ | - | ✓ | سوره اسراء، آیه ۹ |
| ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | - | ✓ | - | - | ✓ | سوره زمر، آیه ۱۸ |

منابع

استرانگ، جیمز (۱۳۸۴). ویژگی‌های معلم مؤثر. مترجم و مؤلف: خیریه بیگم حائری‌زاده و لیلی محمدحسین. تهران: قطره.

بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

رجبی، محمود (۱۳۸۸). اهداف قرآن و شروط و موانع بهره‌مندی از آن. فصلنامه معرفت، شماره ۲۴، ۵۲-۶۲.

شاملی، عباسعلی، (۱۳۸۸). جایگاه و نقش انداز و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران. مترجم: محمد روحانی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

صفوی، کوروش (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.

ضیاء حسینی، محمد (۱۳۹۱). سخن‌کاوی. تهران: رهنما.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی التفسیر القرآن. قم: مؤسسه دارالهجره.

طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی التفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب‌البیان فی التفسیرالقرآن*. ج ۱. تهران: اسلام.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۶). *اثرات پنهان تربیت آسیب‌زا*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- گوردن، توماس (۱۳۸۱). *فرهنگ تفاهم در مدرسه*. مترجم: پریچهر فرجادی. تهران: آیین تفاهم.
- معموری، علی (۱۳۸۶). دانش زبان‌شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی. *نشریه قرآن و علم*. شماره ۱، ۱۶۱-۱۷۶.
- هوشنگی، لیلا (۱۳۸۹). *بشارت و انذار در قرآن با نظر به کتاب اشعیا*. فصلنامه منہاج، سال ۶، شماره ۱۱، ۹۹-۱۲۶.

Austin, J. L. (1975). *How to Do Things with Words*. Oxford: Clarendon Press.

Saeed, J. L. (1997). *Semantics*. Massachusetts: Blackwell publisher.

Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford University press: New York.

